یادداشت روز

ترامپ عربده کشید و عقب‌نشینی کرد

سخنان عصر جمعه دونالد ترامپ، علیرغم جنجال‌های فراوانی که پیش از آن پیرامون آن شد، غیرمنتظره نبود. تحریم سپاه که پیش از این و در دوره اوباما شامل تعدادی از مراکز مهم صنعتی عمرانی نظیر قرارگاه خاتم‌الانبیاء-ص- و فرماندهان ارشد سپاه می‌شد، هم اینک به کلیت سپاه تسری داده شده و این در حالی است که تبلیغات روی «تروریستی خوانده شدن سپاه» متمرکز بود و بر این اساس فرمانده کل سپاه اعلام کرد که در این صورت ارتش آمریکا را مترادف داعش خواهد دانست. موضوع دوم هم تعیین تکلیف برجام بود که در نهایت ترامپ آن را به کنگره واگذار کرد و قرار شد کنگره آمریکا طی ۶۰ روز نظر خود را در این مورد اعلام کند. جابجایی در زمان اعلام- از پنجشنبه به جمعه- و تقلیل دو محور اصلی بحث از قرار دادن در لیست تروریستی تا تحریم و از تعیین تکلیف نهایی تا سپردن به کنگره به وضوح بیان کننده آن است که در واقع ترامپ و تیم او دست‌اندرکار عملیات روانی هستند و بیش از آنکه در عالم واقعیت سیر کنند در خیال خود جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار داده و مشکل خویش را حل می‌کنند. در این خصوص گفتنی‌هایی وجود دارد:

۱- سخنان روز جمعه ترامپ به خوبی نقطه مشکل آمریکا را نشان داد. تمرکز او روی عنصر «توانایی»های ایران به خوبی ماهیت مشکلات آمریکا را برملا کرد. رهبری، سپاه، توانایی دفاعی، قدرت نفوذ، بهم زدن معادلات و مردم متحد این‌ها که هر کدام شکل دهنده به بخشی از قدرت ایران به حساب می‌آیند، مشکل عمده آمریکا در برابر ایران می‌باشد و این در حالی است که هیچ کدام از رؤسای جمهور آمریکا راه حلی برای این مسئله نداشته‌اند. دیروز دونالد ترامپ اذعان کرد که رؤسای جمهور پیش از او در شکست دادن و متوقف کردن ایران ناکام بوده‌اند و در واقع اعتراف کرد که آمریکا راه حلی ندارد و لذا برای آنکه کاری کرده باشد از «طرحی نو»! سخن می‌گوید.

کاملاً واضح است که آمریکا در مقابل نفوذ و جایگاه «رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران» در منطقه هیچ کاری نمی‌تواند بکند. آمریکا در برابر یک رهبر مذهبی و سیاسی با بیش از شصت سال تجربه کارهای بزرگ و عبور دادن ملت ایران و ملت‌های منطقه از انواعی از بحران‌های سخت، خلع سلاح است و این در حالی است که امروز بر خود آمریکا رئیس‌جمهوری برای دوره‌های ۴ تا ۸ ساله حکومت می‌کند که پیش از آن هیچ تجربه‌ای در اداره جامعه‌ای کوچک -نظیر یک محله- نیز نداشته است. آمریکا نمی‌تواند با رهبری در مقیاس امام خامنه‌ای- دامت‌برکاته- در بیفتد که علاوه بر مشروعیت داخلی از مشروعیت گسترده‌ای بین مردم منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا- به عنوان پیشوای دینی و انقلابی- برخوردار است و حال آنکه در این منطقه وسیع، رئیس‌جمهور آمریکا نزد مردم منفورترین فرد به حساب می‌آید.

امروز آمریکا در منطقه علاوه بر مواجهه با رهبری بزرگ با نیرویی بزرگ نیز مواجه است. حکایت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در داخل ایران، حکایت اقتدار، اعتبار، امنیت و خدمت و در خارج ایران حکایت نیرویی نجات‌بخش و بی‌بدیل است. امروز هیچ نیروی نظامی در سطح دنیا تجربه و آوازه و محبوبیت سپاه را ندارد. توانمندی نیروهای سپاه و قدرت نیروهای متنوعی که سپاه در بسیاری از کشورهای منطقه پدید آورده است، بر قدرت هر ارتش کلاسیک برتری دارد. این در حالی است که نیروی نظامی آمریکا اگرچه موقعیت‌های فراوان ثابت و شناور در اختیار دارد و بودجه سالانه آن با بودجه هیچ ارتش دیگری در دنیا قابل مقایسه نیست، در عین حال پویایی نیروهای سپاه و فرزندان آن در منطقه را ندارد.

۲- آمریکا گمان می‌کند همانگونه که ایران در برخورداری از قدرت هسته‌ای که آن را «حق مسلم» خود می‌دانست، در نهایت کوتاه آمد و تعلیق فعالیت‌های خود را پذیرفت و به نظارتی که آمانو آن را «بی‌سابقه» می‌خواند، تن داد، اگر فشار بیاورد در پرونده نظامی و در واقع در مورد «نفوذ منطقه‌ای» خود نیز تعلیق را می‌پذیرد.

احتمالاً شما این جمله اوباما در آخرین روز حضور در کاخ سفید را به یاد دارید «من قدرت هسته‌ای ایران را مهار کردم، دولت پس از من، قدرت نظامی ایران را مهار کند» براین اساس دونالد ترامپ که از یک تیم قوی امنیتی- سیاسی برخوردار است و کسانی او را راهنمایی می‌کنند که دهها سال سابقه کار نظامی در منطقه‌مان را دارند، بازی با پرونده هسته‌ای را شروع کرد ولی هدفش راه‌اندازی پرونده‌ای تازه، در ابعاد پرونده هسته‌ای یا حتی فراتر از آن بود. از آنجا که در ضمیمه برجام درباره مسائل نظامی ایران از جمله تسلیحات متعارف و بالستیک سخن به میان آمده بود، آمریکا حرکت به سمت پرونده جدید را از «هسته‌ای» شروع کرد و در نهایت پس از چندین ماه جنجال علیه توافق برجام، تصمیم‌گیری درباره آن را به کنگره واگذار کرد.

در این بین آنچه به احتمال زیاد در عمل اتفاق خواهد افتاد، حفظ پوسته برجام برای استفاده از روزنه‌ای است که به صنعت نظامی ایران دارد. به عبارتی دیگر احیانا کنگره آمریکا در پایان مهلت شصت روزه «برجام ایران» را حفظ و «برجام آمریکا» را پاره می‌کند. این نکته‌ای است که در روزهای اخیر با ظرافت تمام در مواضع آلمانی‌ها، فرانسوی‌ها، انگلیسی‌ها و خانم موگرینی آمد. مثلا وزیر خارجه آلمان ضمن تاکید بر بین‌المللی بودن برجام و تقبیح تهدیداتی که ترامپ علیه آن مطرح کرده است، می‌گوید ما تلاش می‌کنیم تا کنگره آمریکا را متقاعد کنیم که حفظ برجام لازم است و همه باید تلاش کنیم تا راهی برای کنترل تسلیحاتی ایران و قاعده‌مند کردن رفتار نظامی آن پیدا کنیم.

از نظر ترامپ شرایط داخلی و تداوم محدودیت‌هایی که در تجارت خارجی ایران وجود دارد، تهران را در شرایطی قرار داده که تشنه‌تر از روزی است که برای رفع موانع تجاری و بانکی معاهده برجام را امضا کرد. او به زعم خود می‌گوید کافی است فشار روانی را بر جامعه ایران زیاد کنیم تا دوباره به پای میز مذاکره بیاید و به امید حل مشکلات داخلی از نفوذ منطقه‌ای خود چشم بپوشد. در اینجا نمی‌توان از نقش‌آفرینی دو عنصر چشم‌پوشی کرد یکی از این دو مواضعی است که طی دو سال گذشته از سوی بعضی از مسئولان کشور اتخاذ شد و از آن بوی علاقه به انعقاد برجامی در مورد مسایل منطقه‌ای ایران به مشام آمریکا و شرکای اروپایی آن رسید. عنصر دوم شبکه جاسوسی است که در ایران فعال است و نوعا درباره نقش آنها ساده‌سازی صورت می‌گیرد ماجرای «درّی اصفهانی» که به طور خیلی اساسی مذاکرات محرمانه مسئولین کشور درباره موضوع هسته‌ای را به سرویس اطلاعاتی انگلیس می‌داد و در واقع دست تیم مذاکره‌کننده ایران را در مقابل طرف مقابل خالی می‌کرد، یک نمونه است که دستگاه‌هایی در ایران آن را در حد یک ارتباط ساده و درجه سه تنزل دادند.

اما ترامپ درخصوص پرونده نظامی و نفوذ ایران با مانعی بزرگ مواجه است. بحث نظامی ایران از حساسیت بسیار بالایی برخوردار است کما اینکه برای هرکشور دیگری نیز از اهمیت ویژه برخوردار است. توافق ایران در پرونده هسته‌ای اگرچه که خسارت بزرگی متوجه ایران کرد اما این خسارتی قابل جبران به حساب می‌آید ما هر زمان که اراده کنیم می‌توانیم ظرف مدتی کوتاه به روز قبل از سه‌شنبه ۲۴ تیر ۹۴ بازگردیم و کار خود را از آن نقطه ادامه دهیم ولی در مسئله نظامی اگر ما محدودیت و نظارتی را پذیرفتیم در واقع خود را تحت رژیم خاص نظامی-امنیتی قرار داده‌ایم که آن رژیم، سطح قدرت ما را معین می‌کند و قدرمسلم آن است که در این صورت آمریکا اصرار خواهد داشت تا ما به قدرت پنجمی منطقه - پس از رژیم صهیونیستی، ترکیه، پاکستان و عربستان - تن دهیم و بپذیریم که امنیت مرزهای ایران در گرو انطباق آن با دیدگاه‌های این چهار کشور باشد. به عبارت دیگر اگر ایران تن به یک رژیم نظامی امنیتی آمریکایی بدهد باید با اقتدار فعلی و هویت کنونی خود وداع کند و این خسارتی نیست که امکان جبران داشته باشد و به همین دلیل آمریکا می‌داند که این یک «گنده‌گویی معمولی» نیست تا با یک اقدام ساده و در چارچوب مذاکره با یک دولت امکان‌پذیر شود. در واقع اینجا دیگر «حریم نظام» است که در راس آن شخصیتی قرار دارد که از یک سو ذره‌ای به آمریکا و قرارهای او اعتماد ندارد و از سوی دیگر ذره‌ای تردید ندارد که می‌تواند بر آمریکا غلبه کند و دسیسه آن را با هزینه‌ای بسیار کمتر از آنچه در پرونده هسته‌ای متحمل شده، باطل گرداند.

۳- آنچه ترامپ در روز جمعه انجام داد یک عملیات روانی سطح پایین بود و واکنش شدید ایران و ایرانیان نشان داد که چه حساسیتی در این موضوع وجود دارد. طرح ترامپ این بود که «سپاه» را به مشکل مرکزی شهروندان ایرانی تبدیل کند و بعد از کاهش موقعیت، دست و پای آن را ببندد و به گوشه‌هایی در داخل ایران پرتاب کند. اما واکنش محکم و ملی حاکمیت و مردم ایران در مواجهه با این توطئه، در واقع سپاه را به موقعیت جدیدی رسانید. خود این موضوع یک محک مهم بود. دشمن هم گمان و هم تبلیغ می‌کرد که سپاه از محبوبیت گذشته بهره‌ای ندارد جدا از اینکه عظمت تشییع‌کنندگان همدانی پاسدار شهیدحسین همدانی و عظمت تشییع‌کنندگان مشهدی، تهرانی، اصفهانی و نجف‌آبادی پاسدار شهید حججی معیار روشنی برای درک بطلان ادعای دشمنان است، واکنش ملی ایرانیان در داخل و خارج کشور به تحریم سپاه و تصریحاتی که در کلام رئیس‌جمهور محترم آمد عمق ملی سپاه را مشخص کرد.

گمان نمی‌کنم نیازی به زمان زیادی دارد تا ببینیم نیروهای آمریکایی تحت تاثیر ابهت سپاه و نیروهای مردمی مرتبط با آن در منطقه به ناچار پایگاه‌های نظامی ثابت و سیار خود را به دولت‌های منطقه واگذار کرده و به نقطه‌ای دیگر نقل مکان کنند.

سعدالله زارعی

گزارش خبری تحلیلی کیهان

حالا که به حرف منتقدان برجام رسیدید مسیر را عوض کنید

سرویس سیاسی-

روند منفعلانه دولت در واکنش به گستاخی آمریکا، تنها و تنها به تشدید تحریم‌ها و وقیح‌تر شدن طرف مقابل منتهی می‌شود. بنابراین لازم و ضروری است که دولت برای یکبار هم که شده شجاعانه به میدان آمده و با اجرای بندهای ۳۶ و ۳۷ برجام و عمل به ۲۹ شرط ابلاغی، مسیر مواجهه با شیطان بزرگ را تغییر دهد.

آقای روحانی دیروز (شنبه) در دیدار سفیر جدید جمهوری چک گفت: «تا وقتی طرف‌های مقابل به برجام پایبند باشند، به آن پایبند خواهیم بود».

این اظهارنظر به این معنی است که تاکنون طرفین برجام- از جمله آمریکا- به توافق پایبند بوده‌اند، و اگر در آینده یکی از طرفین، به برجام پایبند نباشد، ایران هم دیگر پایبند نیست!

اما آیا این اظهارنظر با واقعیت مسئله مطابقت دارد؟! به این اظهارنظرها توجه کنید:

- برجام تاکنون تقریباً هیچ دستاورد اقتصادی برای تهران در بر نداشته است. (سیف، رئیس‌بانک مرکزی)

- حداقل از نظر علمی ۴۰ سال استاد دانشگاه هستم، لذا این را می‌توانم بگویم. هم‌اکنون و پس از پیش آمدن قضایای روادید تعداد زیادی از دانشمندان اروپایی که مقداری احتیاط می‌کنند از آمدن به ایران استنکاف دارند. به قول دانشگاهی‌ها این یعنی وضعیت آنها پیش از برجام بهتر از پس از برجام بوده است. (صالحی، رئیس‌سازمان انرژی اتمی)

- برای ارتباط با بانک‌های بزرگ جهانی دچار مشکل هستیم و آنها با ما کار جدی نمی‌کنند. انتظار ما این بود که بعد از برجام ما بتوانیم با بانک‌های بزرگ هم کار کنیم اما به دلایل مختلف ما هنوز نتوانسته‌ایم با این بانک‌ها کار کنیم. (طیب نیا، وزیر اقتصاد دولت یازدهم)

- ۸ ماه پس از اجرای برجام، به خاطر مجازات‌های آمریکا، هیچ یک از بانک‌های بزرگ اروپایی کار با ایران را شروع نکرده است. (ظریف، وزیر امور خارجه)

- تحریم‌ها روی کاغذ برداشته شده اما هنوز عملا همه آنها برداشته نشده که مقداری به دلیل شرایط است و مقداری به دلیل شیطنت آنها و ایرادات زیادی هست که ما هم اعتراضات مفصلی به طرف مقابل کرده‌ایم. (عراقچی، رئیس‌ستاد پیگیری برجام)

- بعد از گذشت یک سال از اجرای برجام هنوز برای جذب فاینانس موفق نشده‌ایم. (جهانگیری، معاون اول دولت)

- آمریکا در ظاهر وانمود می‌کند به وظیفه‌اش عمل کرده است اما در خفا و پشت پرده نه تنها کاری انجام نداد بلکه سعی کرد همه چیز را به بن بست بکشاند. (صالحی، رئیس‌سازمان انرژی اتمی)

- به اعتقاد ما حرکت‌هایی که در طول یک سال‌ونیم گذشته چه توسط دولت قبلی آمریکا و چه توسط دولت جدید آن صورت می‌گیرد، در موارد بسیاری بر خلاف تعهدات آمریکا در اجرای برجام است. (عراقچی، رئیس‌ستاد پیگیری برجام)

- آیا آمریکا آماده است به متن برجام پایبند باشد، روحش به کنار. تاکنون واشنگتن هر دو را زیر پا گذاشته است. (ظریف، وزیر خارجه)

- آمریکایی‌ها به‌بهانه‌های مختلف به‌دنبال اعمال یک‌سری تحریم‌های جدید هستند که با هیچ منطق و روح و متن برجام هم سازگار نبوده و در تعارض است. (روحانی، رئیس‌جمهور)

- [۲۲ ماه پس از امضای برجام] بانک‌های خارجی با ایران تعامل می‌کنند و ما کم‌تر ناگزیر می‌شویم که پول خود را با چمدان حمل‌ونقل کنیم. (ظریف، وزیر خارجه)» و...

آیا مجموعه این اظهارات به معنی پایبندی آمریکا به برجام است؟! آیا تاکنون برجام به صورت فاحش توسط آمریکا نقض نشده است؟!

این موارد که همگی مربوط به اظهارات مقامات دولت است، دقیقا نکات و مواردی است که منتقدان دلسوز برجام از نخستین روزهای مذاکره به آن اشاره کرده و نسبت به عواقب آن به دولت هشدار دادند.

نقض صریح بندهای برجام

بند ۲۵ برجام تاکید دارد که: چنانچه قانونی در سطح ایالتی یا محلی در ایالات متحده مانع از اجرای لغو تحریم‌های مشخص شده در این برجام شود، ایالات متحده، با در نظر گرفتن تمامی اختیارات موجود، گامهای مقتضی را به منظور تحقق اجرای مزبور اتخاذ خواهد نمود. ایالات متحده به طور فعال، مقامات در سطح ایالتی یا محلی را تشویق خواهد کرد که تغییرات در سیاست ایالات متحده منعکس شده در لغو تحریم‌های وفق این برجام را در نظر داشته و از اقداماتی که با این تغییر در سیاست همخوانی ندارد خودداری نمایند.

در بند ۲۶ برجام آمده است: «ایالات متحده، با حسن نیت، نهایت تلاش خود را برای دوام برجام و پیشگیری از ایجاد تداخل در تحقق بهره‌مند شدن ایران از لغو تحریم‌های مشخص‌شده در پیوست دو به عمل خواهد آورد. دولت ایالات متحده، در چارچوب اختیارات قانونی رئیس‌جمهور و کنگره، از بازگرداندن یا تحمیل مجدد تحریم‌های مشخص‌شده در پیوست ۲ که اعمال آنها را وفق این توافق متوقف کرده است، خودداری می‌نماید، فارغ از فرآیند حل و فصل اختلافات پیش‌بینی شده در این توافق».

بند ۲۷ برجام نیز تصریح دارد که گروه ۱+۵ به منظور تضمین شفافیت و کارآمدی در ارتباط با لغو تحریم‌ها وفق این برجام، تدابیر اداری و آئین‌نامه‌های اجرایی کافی را تمهید خواهند کرد. اتحادیه اروپایی و دولت‌های عضو و همچنین ایالات متحده دستورالعمل‌های مرتبط را صادر خواهند نمود و درخصوص جزئیات تحریم‌ها یا اقدامات محدودیت سازی که به موجب این برجام لغو شده‌اند، بیانیه‌هایی را که در دسترس عموم باشد، منتشر خواهند کرد. اتحادیه اروپایی و دولت‌های عضو و ایالات متحده متعهد هستند که درخصوص محتوای این دستورالعمل‌ها یا بیانیه‌ها با ایران به صورت منظم و بنا به اقتضاء مشورت نمایند.

بقیه در صفحه ۱۰

گفت و شنود

چرا زنده‌ای؟!

گفت: روزنامه زنجیره‌ای «همدلی» گزارش مفصلی از واکنش مردم به اظهارات ترامپ منتشر کرده و نوشته است بلافاصله بعد از پخش اظهارات ترامپ به میان مردم رفته و این گزارش را تهیه کرده است!

گفتم: اظهارات ترامپ در ساعات پایانی شب پخش شد خبرنگار این روزنامه زنجیره‌ای نصفه شبی از کدام مردم کوچه و بازار نظرخواهی کرده است!

گفت: زنجیره‌ای‌ها به دروغگویی و نظرسازی عادت کرده‌اند و هر دفعه نیز مثل همین روزنامه همدلی، یک گاف رسوایی‌برانگیز می‌دهند.

گفتم: یارو بعد از ۲۸ مرداد یک پالتو را با آتش سیگار سوراخ سوراخ کرد و نزد مرحوم آیت‌الله کاشانی رفت و گفت؛ بنده روز ۲۸ مرداد به حمایت از شما تظاهرات کردم و اینهمه تیر خوردم! آیت‌الله کاشانی گفت؛ اولاً در گرمای ۲۸ مرداد پالتو برای چه پوشیده بودی؟ و ثانیاً چرا بعد از اینهمه تیر که خورده‌ای هنوز زنده‌ای؟!

مدیر مسئول کیهان در مصاحبه با فارس:

اگر ترامپ جنایتکار نبود برای سلامتی‌اش دعا می‌کردیم!

مدیرمسئول روزنامه کیهان گفت: همان‌گونه که پیش‌بینی می‌شد ترامپ علیرغم چند ماه رجزخوانی علیه برجام، حاضر نشد از این سند که دستاورد بزرگی برای آمریکا است، دست بردارد.

حسین شریعتمداری در گفت‌وگو با فارس درباره اظهارات اخیر دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا تصریح کرد: همان‌گونه که پیش‌بینی می‌شد ترامپ علی‌رغم چند ماه رجزخوانی علیه برجام، حاضر نشد از این سند که دستاورد بزرگی برای آمریکاست، دست بردارد.

وی افزود: ترامپ می‌داند برجام مجموعه‌ای از ده‌ها امتیاز نقد است که آمریکا از ایران گرفته و یک مشت وعده نسیه که در مقابل داده است؛ بنابراین به وضوح قابل پیش‌بینی بود که هرگز از آن دست نمی‌کشد. سخنان ترامپ نیز نشان داد که خواستار امتیازات بیشتر است و نه لغو برجام.

مدیرمسئول کیهان با اشاره به ارجاع تصمیم درباره برجام به کنگره آمریکا، گفت: ترامپ برای کنگره نیز دستورالعمل ویژه‌ای صادر کرده که مانند گذشته از هماهنگی قبلی حکایت می‌کند و شامل دو محور اصلی است؛ نخست افزودن محدودیت‌های تسلیحاتی و مخصوصا در صنایع موشکی به برجام و دوم نامحدود کردن زمان پایان محدودیت‌های برجام و تبدیل آن به یک سند دائمی و مادام‌العمر.

شریعتمداری درباره این دو دستورالعمل، اظهار داشت: آمریکا با دستورالعمل اول در پی آن است که با گنجانیدن محدودیت صنایع موشکی در برجام، این محرومیت را به یک سند بین‌المللی که قطعنامه ۲۲۳۱ تضمین آن است، تبدیل کند و درخصوص نامحدود کردن زمان خروج ایران از محدودیت‌های برجام، فقط باید پرسید اگر آمریکا آن‌گونه که حامیان برجام ادعا می‌کنند، برجام را به زیان خود می‌داند چرا اصرار دارد که آن را به یک سند مادام‌العمر تبدیل کند؟

وی درباره عکس‌العمل کشورمان به رجزخوانی‌های ترامپ، تاکید کرد: اگر ترامپ جنایتکار نبود بایستی برای سلامتی‌اش دعا می‌کردیم چرا که او از چهره واقعی و بدون روتوش آمریکا پرده‌برداری کرد و برای دیرباورترین افراد هم کمترین تردیدی درباره غیرقابل اعتماد، دروغگو و جنایتکار بودن آمریکا باقی نگذاشت. واقعیتی که برای فهماندن آن به برخی از ساده‌لوحان داخلی به هزینه‌ای کلان و زحمات فراوان نیاز داشتیم.

مدیرمسئول کیهان با اشاره به اینکه تاخت و تاز ترامپ و خط و نشان کشیدن‌های او علیه کشورمان را نباید بی‌پاسخ گذاشت، گفت: به قول حضرت امیرالمومنین(علیه‌السلام) سنگی که دشمن پرتاب کرده است را باید به همان طرف پرتاب کرد که از آنجا آمده است.

به گفته شریعتمداری ترامپ در سخنان خود نشان داد که از موشک‌های ایران وحشت دارد بنابراین موثرترین واکنش ما می‌تواند و باید، رونمایی از موشک‌های بالستیک قاره‌پیمایی باشد که پاشنه آشیل آمریکاست. امروز آمریکا به گونه‌ای در همسایگی ماست، چرا که در منطقه ۵۰ پایگاه و چند ده هزار نیروی نظامی دارد.

وی تاکید کرد: ترامپ باید بداند که منطقه نه فقط برای نظامیان آمریکا امن نیست، بلکه متحد استراتژیک آن یعنی رژیم جعلی اسرائیل و برخی از رژیم‌های دست‌نشانده در منطقه که برای آمریکا نقش گاو شیرده را دارند نیز نمی‌توانند از خشم مقدس ایران اسلامی در امان باشند.

شریعتمداری افزود: عربده‌های ترامپ بار دیگر و برای چندمین بار درستی نظر امام راحلمان (رضوان‌الله تعالی علیه) را درباره آمریکا تأیید کرد. حضرت خطاب به جیمی کارتر رئیس‌جمهور وقت آمریکا می‌فرمود: «من حیفم می‌آید که مثل بزنم به شیر، که می‌گویند وقتی که مقابل یک دشمن می‌ایستد هم فریاد می‌زند و هم از آن طرفش چیزی بیرون می‌آید و هم دمش را حرکت می‌دهد. فریاد می‌زند برای اینکه طرف را بترساند. می‌ترسد، از این جهت از او چیزی هم صادر می‌شود. دمش را حرکت می‌دهد برای اینکه میانجی پیدا کند. آقای کارتر را من حیفم می‌آید که بگویم شیر، لکن یک موجودی است که همین کارها را دارد می‌کند».

خبر ویژه

مقام ارشد آمریکایی: باید ضمن حفظ برجام فشار بر ایران را تشدید کنیم

یک قانونگذار ارشد آمریکایی تاکید کرد منافع آمریکا با اجرای جدی توافق هسته‌ای تامین می‌شود و باید این توافق حفظ شود.

الیوت انگل در نشریه پواس‌تودی نوشت: منافع آمریکا اکنون با اجرای جدی توافق هسته‌ای، محکم کردن آن و سرکوب دیگر رفتارهای ایران تامین می‌شود.

وی می‌نویسد: «من مخالف توافق هسته‌ای ایران بودم. با شرکت در ده‌ها جلسه استماع کمیته امور خارجه مجلس نمایندگان آمریکا، صدها ساعت نشست خبری که شامل مطالب محرمانه بود و ارزیابی دقیق مذاکرات وچگونگی دستیابی آمریکا و پنج کشور مذاکره‌کننده به این مسئله بسیار چالش‌برانگیز، اکنون به این نتیجه رسیدم که آمریکا باید این توافق را حفظ کند.

امروز من بر این باور هستم که منافع آمریکا با حفظ تعهداتش درقبال توافق، اجرای جدی آن، سرکوب دیگر رفتارهای خطرناک ایران و تداوم بررسی راه‌هایی برای محکم‌تر کردن توافق هسته‌ای تامین می‌شود.

از زمان اجرای توافق هسته‌ای برنامه جامع اقدام مشترک یا JCPOA من به تصویب قوانینی کمک کردم که ایران را وادار به پرداختن هزینه به دلیل حمایتش از تروریسم، توسعه موشک بالستیک و سرکوب مردم ایران می‌کند.

همزمان من این مسئله را مطرح کرده‌ام که توافق هسته‌ای کافی نیست. یکی از نگرانی‌ها، بندهایی از توافق درباره نظارت بر این توافق است پس از پایان مهلت هشت ساله «زمان انقضا» پایان می‌یابد. در «پایان توافق»، با ایران به عنوان حامی اصلی تروریسم همچون هر کشور دیگری در موضوع فناوری هسته‌ای رفتار خواهد شد.

از حال تا شش سال دیگر ایران می‌تواند آزادانه برنامه موشک بالستیک خود را به پیش برده و سیستم‌های پرتابگر را برای سلاح‌های هسته‌ای در آینده تقویت کند.

با وجود برخی نواقص، تعهد کنونی ما به توافق می‌تواند به جلوگیری از بی‌ثباتی بیشتر در منطقه کمک کند.

الیوت در تشریح چگونگی جلوگیری از بی‌ثباتی بیشتر با تعهد به توافق نوشت: نخست، این توافق باید با جدیت اجرایی شود.

بازرسان بین‌المللی باید به همه سایت‌های لازم برای تضمین تلاش مخفیانه یا آشکار ایران برای پیشبرد برنامه تسلیحات هسته‌ای‌اش دسترسی داشته باشند.

دوم ایران با تبعات اقداماتش در نقض قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت که بر اجرای برجام نظارت دارد، مواجه شود.

این قطعنامه ممنوعیت زمانی محدودی را برای برنامه موشک بالستیک ایران و انتقال سلاح‌های قراردادی اعمال می‌کند اما ایران همچنان به انتقال سلاح و اعزام نیرو به سوریه، یمن، عراق و لبنان ادامه می‌دهد. این موضوع غیرقابل قبول است و شرکای ما باید با پیوستن به آمریکا به ایران نشان دهند که چنین فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده‌ای را که ناقض قانون بین‌المللی است، تحمل نخواهند کرد.

وی افزود: من نگران هستم که خروج ناگهانی آمریکا از برجام به امنیت ملی ما لطمه بزند.

اگر توافق هسته‌ای ایران نابود شود آنها با چه انگیزه‌ای با ما وارد مذاکره می‌شوند؟ هرچند که من با توافق مخالفت کردم و همچنان بر وجود نقایض جدی آن باور دارم در این برهه تایید نکردن پایبندی ایران به توافق و خروج از آن بدون ارائه شاهدی قوی درباره تقلب ایران اشتباه خواهد بود.

جاسوس بودنش را نمی‌دانستید از دو تابعیتی بودن او هم بی‌خبر بودید؟!

رئیس سازمان اداری و استخدامی از پاسخگویی درباره تعیین تکلیف مدیران دو تابعیتی طفره رفت.

جمشید انصاری در گفت‌وگو با خبر آنلاین درباره آخرین وضعیت رسیدگی به موضوع مدیران دو تابعیتی و اینکه چه بررسی‌ای خواهد شد تا مواردی همچون دری اصفهانی دیگر اتفاق نیفتد؟، گفت: از نظر ما مسئولیت این کار با وزارت اطلاعات است. وزارت اطلاعات موردی را به ما اعلام نکرده است.

یادآور می‌شود عبدالرسول دری اصفهانی اخیراً به ۵ سال حبس به جرم جاسوسی برای دو سرویس جاسوسی بیگانه محکوم شد اما وزارت اطلاعات درباره جاسوسی نامبرده ابراز بی‌اطلاعی کرد. اما صرف نظر از احراز جاسوسی نامبرده- که می‌تواند از سوی ضابط‌های اطلاعاتی و انتظامی مختلف صورت گیرد- باید پرسید چرا وزارت اطلاعات حتی از دوتابعیتی بودن این جاسوس نیز خبر نداشته یا به دولت هشدار لازم را نداده است؟

هیچ کاره بود که نشان خدمت و ۵۰ سکه طلا جایزه گرفت؟!

اگر چنان که برخی مدیران دولتی می‌گویند درّی‌اصفهانی (جاسوس دستگیرشده) هیچ کاره بود، چرا به او نشان خدمت داده‌اند؟

روزنامه جوان دراین‌باره نوشت: سرانجام حکم قطعی حبس پنج ساله برای یک عضو تیم مذاکرات هسته‌ای همراه با هویت او علنی شد. دولتی‌ها اوایل دستگیری، اصل خبر را رد کردند و وزارت خارجه رسماً تکذیبیه داد. بعد وزارت اطلاعات گفت: دری اصفهانی جاسوسی نکرده؛ حالا هم که همه چیز تأیید شده می‌گویند او عضو تیم مذاکرات نبوده است. حمید بعیدی‌نژاد، عضو تیم مذاکرات هسته‌ای ایران روز گذشته در اینستاگرام خود نوشته که «بر خلاف اینکه برخی رسانه‌ها مایلند آقای دری را به عنوان عضو اصلی تیم مذاکرات هسته‌ای معرفی کنند، وی از اعضای تیم مذاکرات هسته‌ای نبود، بلکه وی به نمایندگی از سازمان خود و با شرکت در برخی از جلسات و به فراخور نیاز، به تیم مذاکرات هسته‌ای در برخی زمینه‌های تخصصی مشاوره می‌داد.» او بااشاره به اینکه افراد مختلفی اینگونه به نمایندگی از سازمان خود به تیم هسته‌ای مشاوره می‌دادند، نوشت: «وزارت امور خارجه وظیفه‌ای برای تعیین صلاحیت‌های اطلاعاتی و حرفه‌ای آنها نداشت ... وظیفه مهم صیانت از مذاکرات و کنترل اطلاعاتی نمایندگان سازمان‌ها آن هم در این مذاکرات حساس بر عهده نهادهای اطلاعاتی و حفاظتی کشور می‌باشد.» جالب آنکه عبدالرسول دری اصفهانی در مراسم تجلیل از افتخار آفرینان برجام از دست رئیس‌جمهور نشان درجه سه خدمت گرفت و اگر هیچ کاره بوده، پس جایی برای نشان دولتی و دهها سکه جایزه نقدی‌اش باقی نمی‌ماند. نمی‌شود صرف دادن مشورت موردی به کسی نشان دولتی داد. از سویی بعیدی‌نژاد نهادهای اطلاعاتی را مقصر می‌داند، بله؛ درست می‌گوید. وزارت اطلاعات و وزیر مربوط اعتقادی به جاسوسی دری اصفهانی نداشتند و همین روز گذشته هم نوبخت گفت بهتر است نظر وزارت اطلاعات را در این مورد بپذیریم!

یادآور می‌شود درّی اصفهانی غیر از نشان خدمت، ۵۰ سکه طلا هم از روحانی جایزه گرفت.

حاشیه امن برادر در کنار رئیس ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی

«وقتی برادر رئیس‌ستاد مبارزه با فساد دستگیر می‌شود؛ حتما اشکالی هست، اسحاق جهانگیری مردانه به نفع مردم وارد میدان شود».

جهان‌نیوز در یادداشتی با اشاره به بازداشت برادر معاون اول رئیس‌جمهور نوشت: اسحاق جهانگیری در روزهای اخیر و پس از بازداشت برادرش در کرمان به خاطر تخلفات مالی و بانکی، فرار رو به جلو را به جای پذیرش واقعیت ترجیح داده و همه را متهم به سواستفاده سیاسی کرده است.

خبرهای مربوط به دستگیری و محاکمه مفسدان اقتصادی، همواره با جنجال‌هایی همراه بوده و جریان‌های سیاسی متاسفانه برخوردهایی کاملا جناحی با آن داشته‌اند. امری که در انعکاس اخبار مربوط به بازداشت برادر معاون اول به اثبات رسید.

در اولین واکنش، اسحاق جهانگیری به گونه‌ای واکنش نشان داده که گویی دستگاه‌های نظارتی در حال انتقام گیری از وی در جریان بازداشت برادرش هستند.

وی در روز بعد نیز در اظهار نظر دیگری به صورت متناقض و سربسته به بازداشت مهدی جهانگیری پرداخت: هیچ خط قرمزی برای مقابله با فساد نیست و هیچ کس در این زمینه مصونیت ندارد، اما هیچ کس هم حق ندارد به بهانه مبارزه با فساد تسویه حساب سیاسی کند و نهادهای حاکمیتی باید در چارچوب قانون حرکت کنند.

چنین واکنش هایی، نشان از تقلیل مبارزه با فساد در حد بازی‌های سیاسی و گروکشی‌های اینچنینی دارد، در حالی که اخبار مربوط به تخلفات مهدی جهانگیری در سال‌های گذشته، بسیار خبرساز شده و علیرغم اینکه معاون اول اذعان به عدم مسئولیت برادرش در سمت‌های دولتی دارد ولی مهدی جهانگیری در یک مورد صراحتا اعلام کرده بود که از روابط خود برای کمک به بخش خصوصی!! استفاده می‌کرده است: «کسی مخالف این نیست که من از نسبتم با برادرم در جهت کمک به بخش خصوصی استفاده کنم. اگر نزدیکان مسئولان در پارلمان بخش خصوصی از نسبتشان به آنها در جهت رساندن صدای بخش خصوصی به گوش آن مسئول استفاده کنند هیچ مشکلی به وجود نخواهد آمد.»

از سوی دیگر اسحاق جهانگیری چنان از بخش خصوصی می‌گوید که کسی نیست نداند، این بخش در کشور از مهجورترین حوزه‌های فعالیت اقتصادی است و ظاهرا تنها برخی شبه دولتی‌ها و افرادی که از رانت‌های مالی و اطلاعاتی دولتی برخوردارند می‌توانند به رقابت بپردازند.

اما مهدی جهانگیری، برادر اسحاق جهانگیری کیست؟ وی چگونه توانسته به هزاران میلیارد تومان ثروت در این کشور دست پیدا کند؟ برادر کوچک معاون اول دولت و رئیس گروه مالی گردشگری که دهها شرکت و بانک زیر نظر آن است، این دارایی‌ها را از چه راهی به دست آورده است؟

مغالطه نوبخت درباره حکم جاسوسی عضو تیم مذاکره‌کننده

اظهارات سخنگوی دولت درباره جاسوسی دری‌اصفهانی، مغالطه و خلاف قانون است.

به نوشته روزنامه جوان، شبهه‌ای که سخنگوی دولت درباره حکم جاسوسی دری‌اصفهانی ایجاد کرد، تیتر برخی روزنامه‌ها شد. نوبخت گفته است «شناسایی جاسوس با وزارت اطلاعات است» نوبخت در آن سخنان درباره حکم دری‌اصفهانی به عنوان یکی از اعضای کارشناسی تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای گفته بود که: «با عنایت به اینکه مباحث جاسوسی